

خدای زنده

جلد سوم

ظهور دوم خداوند و زندگانی ابدی

فصل ششم : دوران آیین نیایش

تعلیم مسیحی برای بزرگسالان
طبق سنت کلیساهای شرق

فهرست

فصل ششم : دوران آیین نیایش ۴۰

فصل ششم

دوران آیین نیایش

ای که چون تو در زمانه نیست کس الله خلق را فریادرس (مثنوی)

جوان: تو می گویی رستاخیز مردگان در روز بازگشت پرشکوه خداوند روی خواهد داد. اما پس از مرگ و به خاک سپرده شدن و پیش از رستاخیز بدن، بر ما چه خواهد گذشت؟

پیر: ما در طول زندگی خاکی در بدن خود زندگی می کنیم و رویدادهای پیرامون خود را با حواس پنجگانه خود درمی یابیم. به همین دلیل تجربه ما محدود به مکان بوده و تمایل داریم که زمان را به صورت خطی مجسم نماییم که از نقطه ای به نقطه دیگر، مثلا از الف تا ی ادامه دارد. زبان گفتگوی ما سرشار از نشانه های این طرز نگرش و تلقی است، مانند: «پیش»، «پس»، «دیروز» و «فردا»^۱.

مسیح که هم خدا و هم انسان است ما را در واقعیت متفاوت دیگری فراتر از مرزهای زمان و مکان شرکت می دهد. در نوشته های مقدس به این موضوع اشاره شده است. مزمو ۹۰ می گوید: هزار سال در نگاه تو مانند دیروز است که گذشته باشد: و حضرت پطرس رسول ادامه می دهد: «یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز» (۲ پطرس ۳: ۸). هم مزمو نویس و هم رسول هر دو زبانی انسانی به کار می برند چون ما زبان دیگری نمی شناسیم. این بدان معنی نیست که یک سال برابر با یک روز باشد یا برعکس، چون منظور به هیچ وجه تساوی ریاضی نیست (زیرا در این صورت باز هم اسیر زمان و مکان می شویم). بلکه مراد اشاره به این موضوع است که میان زمان آفریدگان و جاودانگی خدایی مقیاس مشترکی وجود ندارد، و همچنین این بدان معنی نیست که ابدیت «معکوس» زمان است، بلکه واقعیتی است با مفهومی کاملا متفاوت. خود خداوند ما عیسی مسیح در سخنان خود به یهودیان ضمن مراعات نکردن دستور زبان چنین می گوید: «پیش از آن که ابراهیم پیدا شود من هستم» (یوحنا ۸: ۵۸). «دیروز» و «فردا» در واقعیت خدایی به گونه ای در «یک امروز» (یا «روزی که خداوند آن را بساخت») پنهان است و به هیچ روی مرحله ای میان «ماقبل» و «مابعد» نیست، بلکه خلاصه همه چیز در خداست. «آن روز» توقف زمان نیست و خدا ساکن نمی باشد، چون او زندگی است: «هستم آن که هستم» (خروج

^۱ در هندوستان یک نوع مفهوم دیگری از زمان وجود دارد یعنی آنها می توانند از فضا و زمان خطی «پای خود را فراتر بگذارند».

۳: ۱۴). اما زندگی او مانند زندگی انسانها از تولد تا مرگ ادامه ندارد، بلکه زندگی جاودانه است که نباید آن را به شکل زمانی که در جریانی پیوسته می باشد در نظر آورد، و نیز نباید ضوابط انسانی، که نتیجه تجربه های جسمانی ما هستند، برای اندازه گیری آن به کار برده شوند.

زمان برای ما مقیاس تکامل انسانی، خواه شخصی و خواه اجتماعی، است، اما خدا هیچ وقت تکامل نمی یابد. او کامل در یک لحظه می باشد که این خود معنی ابدیت است.

ما از امروز در این واقعیت، که ورای زمان و مکان است، شرکت می جوئیم، زیرا بر اساس وعده مسیح: «جایی که دو یا سه نفر به نام من گرد هم آیند آنجا در میان ایشان حاضرم» (مت ۱۸: ۲۰). این امر بویژه درباره آیین قربانی مقدس صدق می کند، زیرا طی آن تمامیت مسیح راستین را دریافت می داریم: «هرکه جسم مرا می خورد و خون مرا می نوشد در من می ماند و من در او» (یو ۶: ۵۶).

مسیح بدون شک در تاریخ در زمان خطی ما زندگی نمود، اما به آسمانها بالا رفت و به دست راست پدر نشسته است (یک بار دیگر یادآوری می شود که مفهوم «دست راست پدر» را نباید همچون جایی مجسم کرد که بوسیله ابزار علوم تجربی قابل اندازه گیری می باشد. چون این «مکان» از ادراک ما و از مکان فراتر است) و برای داوری زندگان و مردگان خواهد آمد. مسیحی که ما در وی سهیم می شویم کسی است که همه نیروهای آسمانی در خدمت او هستند و همه مقدسین، مردگان و زندگان با پیوند و مشارکت در او گرد می آیند. در حقیقت زمانی که ما برای شرکت در خوان قربانی مقدس به گرد اسقف خود وارد کلیسا می شویم، ثمرات زمین و کار انسانها و همه آنچه که خدا به ما بخشیده است را به عنوان تقدیمی با خود به همراه می آوریم. این امر دربرگیرنده همه انسانهای معاصر ما و نیز آنهایی است که ما مسیحیان مسئولیتشان را بر عهده داریم. افزون بر این گرچه ما در واقعیتی که فراتر از زمان و مکان است شرکت می کنیم با این وجود از تاریخ بیرون نمی رویم. هنگامی که واژگان زیر را می سرابیم: «اکنون همه غمهای دنیا را کار نهم» به معنای آن نیست که دنیا و تاریخ دیگر ارتباطی با ما ندارند بلکه ما وقت و زمان خود را تقدیم می کنیم، زمانی که دیگر نباید با ابعاد محض انسانی محدود شده، در خود فرو رفته و دنیوی سنجیده شود. بلکه برعکس واقعیت زمان و مکان از راه به هم رسیدن زمان انسانی و جاودانگی خدایی در آیین نیایش تازه می گردد: «اکنون همه چیز را نو می سازم» (مکا ۲۱: ۵). این بدان معناست که همه چیز شدنی می گردد: مردان و زنان دیگر در بند قوانین طبیعت و جبر تاریخ گرفتار نیستند. معجزه شدنی است، زیرا ملکوت هم اکنون به گونه ای کاملاً اسرار آمیز در این به هم رسیدن زمان و ابدیت حاضر می باشد (در عین حال آماده برای آمدن در آینده در کمال خود).

اما مردگان چگونه «در انتظار» رستاخیز به سر می برند؟ ما نمی دانیم فعل «انتظار کشیدن» درباره آنانی که از زمان و مکان بیرون شده، «در آغوش ابراهیم» هستند چه مفهومی دارد. پس بیایید از ساختن اساطیر (که بسیار معمول است) و به کار بردن آنها برای مفاهیمی که از ضوابط انسانی زمان و مکان فراتر می باشند خودداری کنیم.

آنچه می دانیم این است که مردگان به همراهی مقدسین و نیروهای آسمانی در آیین نیایش حضور داشته و ما برای آنها و با آنها دعا می کنیم. مقصود از آنچه در آیین نیایش می گوئیم این است که در نیایش در مشارکت مقدسین سهیم می شویم. همچنین نباید فراموش کرد که هر بار که آیین راز قربانی مقدس را برگزار می کنیم به گفته قدیس یوحنا زرین دهان^۲ مانند این است که عید گذر را جشن می گیریم. این بدین معنی است که ما در واقعیت رستاخیز که باید توسط زندگیمان در این دنیا به آن شهادت دهیم شرکت می کنیم.

درباره دوران آیین نیایش بیشتر تعمق کنیم.

- «زمان آمادگی»، «زمان کمال»، «زمان آخر»، «پایان زمان»: معنی این زمانهای مختلف را شرح داده و درباره رویداد ویژه گذر ما از این زمان به آن زمان توضیح دهید.

^۲ Jean Chrysostome